

## اول ماه مه، روز جهانی کارگر: روز نمایش عزم و اتحاد برای بازگرداندن اختیار به انسان!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲



## در اهمیت اعتصاب و اعتراض علیه فقر و بیکاری در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

مردان است. بیشترین بیکاری در استان کردستان مربوط به جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال است، بدان معنا که نرخ بیکاری در این محدوده سنی ۳۱ و هفت دهم درصد است و از تعداد کل ۹۲ هزار نفر بیکاران استان کردستان بیش از ۵۳ هزار نفر آنها یعنی ۵۸ و پنج دهم درصد در این گروه سنی قرار می گیرند. و مرکز آمار ایران، شش استان کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، سیستان و بلوچستان و گیلان را دارای بیکارترین استان‌های کشور اعلام کرد که بالاترین درصد از مجموع بیکار فعلی را در خود جای داده‌اند. (بیکاری در استان کردستان همواره با آمارهای ضد و نقیضی از سوی مدیران و مسئولان مواجه شده است و هر بار آمار در این خصوص ارائه می شود. آنچه امروز ما شاهد هستیم بیکاری در شهرهای کردستان بیداد میکند. اکثریت بالایی از جوانان تحصیلکرده فاقد موقعیت شغلی هستند. و به جمعیت کارگران اخراج شده و بیکار افزوده میشود). با توجه به آمارهای منتشر شده بخش های زیادی از کارگران در شهر و روستاهای کردستان مهاجر هستند. با شروع بیکارسازی ها در مناطق صنعتی و پروژه های ساختمان سازی بر میزان کارگران مهاجر بیکار اضافه شده. رشد جمعیت شهرها و بیکاری و نداشتن فرصت های شغلی از یک

اعتصابی که در شهر بانه از روز ۲۶ فروردین شروع شد سرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره های خالی در خیابان ها در چندین شهر کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمده اند.

اعتصاب در اعتراض به بستن مرزها و بالابردن تعرفه های کمرگی، شروع شد. اما سرعت با شرکت کارگران و جوانان بیکار به مبارزه ای خیابانی و علنی علیه بیکاری و نداشتن فرصت های شغلی، توسط کارگران و جوانان بیکار تبدیل شد. بیکاری هزاران نفر از کارگران و جوانان چالش اصلی در کردستان است. طبق آمارهای "دولتی" از ۵۶۶ هزار نفر جمعیت فعال استان کردستان ۹۲ هزار نفر بیکار است. نرخ بیکاری در شهرها ۱۸ و شش دهم درصد و در روستاها ۱۱ و دو دهم درصد است. از کل جمعیت بیکار استان کردستان ۷۴ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان هستند. اگر چه از نظر تعداد بیکاران، شمار مردان بیکار در استان بیشتر است و در واقع از کل جمعیت بیکار استان ۷۴ درصد مرد و ۲۶ درصد زنان هستند، اما نرخ بیکاری زنان در کردستان دو برابر نرخ بیکاری

صفحه ۳

### اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان ادامه دارد

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۲

### نکاتی در مورد سیاست سازمانی و پراتیک کمونیستی حزب کمونیست کارگری ایران (۳)

محمد آسنگران

صفحه ۵

### اعتراض و اعتصاب در سقز، بانه، مریوان، جوانرود و پیرانشهر ادامه دارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۵

### بیانیه تشکل های مستقل کارگری پیرامون اوضاع حاکم بر کشور و فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر

صفحه ۶

### اعتراضات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۶

### اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

عزیزه لطف الهی

صفحه ۷

### نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان

صفحه ۸

### چند نکته در مورد جایگاه طبقه کارگر و انسانگرایی در تئوری مارکس

محمد آسنگران

صفحه ۱۰

### به همت فعالین مدنی و بخشش خانواده مقتول، جمشید فرهادی در سنندج از اعدام نجات پیدا کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۱

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان ادامه دارد

خود و کودکانمان خواهیم بود، سخت در اشتباهند. یا باید به این تحریم و محرومیت و تحمیل فقر پایان دهند یا منتظر شنیدن صدای اعتراضات سراسری خیابانی ما کاسبکاران و مردم رنجدیده مناطق مرزی باشند».

در ادامه این اطلاعیه، مردم تهیدست شهرهای مرزی در کردستان به تجمع در روز ۴ اردیبهشت در مقابل فرمانداری شهرهای بانه، مریوان، جوانرود، سردشت، سقز و پیرانشهر و دیگر شهرهای مرزی فراخوانده شده اند.

مردم شهرهای کردستان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری شما را به تداوم اعتراض متحده و یکپارچه خود برای بیمه بیکاری و تامین زندگی و معیشت خود فرامیخواند. دزدان و چپاولگران حاکم مسئولند که زندگی شما را تامین کنند. حکومت قادر به مقابله با اعتراض همزمان و متحدانه شما نیست. فعالین سیاسی و اجتماعی در شهر میتوانند نقش مهمی برای بسیج و سازماندهی اعتراض توده های وسیع مردم داشته باشند. در شهرک های صنعتی و در محلات باید شروع به ایجاد مراکزی برای سازماندهی مردم کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتراض و اعتصاب در روز سه شنبه ۴ اردیبهشت فرا میخواند.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۲۳ آوریل ۲۰۱۸



در بانه اعتصاب و راهپیمایی بی وقفه از ۲۶ فروردین ادامه دارد. سازماندهندگان اعتراضات مردم شهرهای کردستان را به اعتصاب و راهپیمایی بطرف فرماندهی ها برای ۴ اردیبهشت فراخوانده اند.

روز ۳ اردیبهشت در شهر بانه اعتصاب ادامه یافت و مردم دسته دسته با برپایی تجمع بطرف فرمانداری شهر حرکت کردند. روی پلاکاردها نوشته شده بود: "سفره خالی ما نان می خواهد".

روز همچنین سازماندهندگان اعتراضات بیانیه شماره ۳ را منتشر کرده اند. در این بیانیه اعلام شده: «حاکمیت به سفره خالی مردم زحمتکش کردستان اهمیت نمی دهد، پس باید اعتراضات را به شکل تجمعات توده ای به خیابان های شهرهای کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی و خصوصا جلو فرمانداری ها هدایت کرد. دولت به عمق فاجعه آگاه است. می داند که مردم شدیداً بیکار و دچار فقر و تنگسستی مفرط هستند، اما آگاهانه هیچ اقدامی برای چاره ایی نمی کند. کاسبکاران پس از یک هفته اعتصاب انتظار داشتند که حاکمیت به اعتراض مدنی و دمکراتیک آنها احترام بگذارد و در جهت رفع مشکل و بازگشایی مرزها فوراً اقدام کند، اما چنین نشد. اکنون کاسبکاران و بیکاران و کارگران ضروری می دانند که به شکل دیگری جمهوری اسلامی را متوجه مشکلات و ظلم غیر قابل تحمل خود کنند. اگر مسئولین فکر کردند که ما بدون گرفتن حق و کسب دستاورد خاموش می نشینیم و نظاره گر گرسنگی بیشتر و تباہ شدن زندگی

زنده باد اول مه  
زنده باد آزادی، برابری، رفاه  
زنده باد حکومت کارگری!  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۲۳ آوریل ۲۰۱۸

علیه حجاب و علیه مذهب و غیره، اجزاء مختلف ایفای نقش رهبری کننده طبقه کارگر است.

همچنین اول ماه مه امسال فرصتی برای پاسخ دادن به فوری ترین خواست های کارگران و برداشتن گامهایی در جهت تحقق عملی اتحاد سراسری طبقه کارگر است. خواست افزایش دستمزدها و گام برداشتن بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزدها که اکنون توسط برخی تشکل های کارگری مطرح شده است، مساعدترین زمینه برای پیشروی در جهت عمل متحد و سراسری کارگری است. بی شک هر اندازه موفقیت در برداشتن چنین گامی نه فقط تاثیر محسوس و عملی در عقب راندن جمهوری اسلامی و بهبود معیشت مردم کارگر و زحمتکش خواهد داشت، که طبقه کارگر را بعنوان یک نیروی سیاسی جدی و رهایی بخش بیش از پیش در جامعه مطرح خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری همه بخش های طبقه کارگر اعم از کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان و بیکاران را به برپایی اول مه ای هرچه گسترده تر و پرشورتر فرامیخواند. حزب از همه مردم آزادیخواه و برابری طلب دعوت میکند تا به جشن اول مه و صف رهایی بخش کارگران بپیوندند.

زنده باد اول مه  
زنده باد آزادی، برابری، رفاه  
زنده باد حکومت کارگری!  
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۲۳ آوریل ۲۰۱۸



## اول ماه مه، روز جهانی کارگر: روز نمایش عزم و اتحاد برای بازگرداندن اختیار به انسان!

بخاطر خیزش دی ماه و اوضاع سیاسی جدیدی که بوجود آورده است، امسال اول ماه مه، یعنی روز اتحاد و ابراز وجود طبقه کارگر، اهمیتی بر جسته تری می یابد.

گفتمان اصلی اول ماه امسال مبرم تر از همیشه تاکید بر نقش تاریخی و رهبری کننده ای است که طبقه کارگر باید ایفا کند. اینکه بصورت یک نیروی سراسری و متحد، به مثابه یک قدرت سیاسی متشکل و متحزب ظاهر شود و مردم محروم را پشت سر خود بسیج کند و جامعه ایران را از منجلاب جمهوری اسلامی و سرمایه داری به سلامت عبور دهد. نه فقط هیچیک از جناح های جمهوری اسلامی بلکه هیچ نیروی راست و طرفدار بقای سرمایه داری در اپوزیسیون نمی خواهد و نمی تواند خواستها و مطالبات مردم، یعنی آزادی و برابری و رفاه را متحقق کند. این خواستها فقط در یک جامعه سوسیالیستی قابل تحقق است. تنها طبقه کارگر و حکومت انسانی اوست که به همه نابرابری های اقتصادی و بی حقوقی های سیاسی و تبعیضات طبقاتی، ملی، مذهبی، جنسیتی و غیره پایان میدهد. تاکید بر اهمیت اتحاد و تشکل سراسری طبقه کارگر و بخصوص اهمیت تحزب کمونیستی و همینطور تاکید بر ضرورت دخالتگری و پیشتاز بودن طبقه کارگر و رهبرانش در همه عرصه های مبارزه چه اقتصادی و چه سیاسی و چه عرصه های معینی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه

کمتر مناسبی چون اول ماه مه بر شریعت منت دارد! اگر جنبش جهانی اول ماه مه برای کاهش ساعت کار و سایر تلاش های قهرمانانه طبقه کارگر در سراسر جهان در برابر سرمایه داری و بی حقوقی و نابرابری ناشی از آن نبود، اکنون چه بسی روزگار معمول و قانونی کماکان ۱۲ تا ۱۸ ساعت بود، کار کودکان و پرداخت نابرابر به زنان صدمبار بیشتر جنایت میکرد، نه فقط از هیچگونه بیمه بیکاری و بازنشستگی و نظایر آن خبری نبود بلکه همان مختصر آزادی های سیاسی و حقوق مدنی چون حق رای همگانی و غیره هم در جایی برقرار نبود. مبارزه متحد و جهانی کارگران، که اول ماه مهمترین سمبل آنست، ستون اصلی همانقدر مدنیت و حقوقی است که اینجا و آنجا به بورژوازی تحمیل شده است؛ اکنون نیز که سرمایه داری در قرن بیست و یکم نوع بشر و همه ساکنین کره خاک را به نابودی تهدید میکند، تنها مایه امید همانا مبارزه متحد و جهانی پرولتاریا برای رهایی خود و کل بشر از یوغ سرمایه و دولت های آن است. لذا اول مه نه فقط روز اتحاد و مبارزه برای خواسته های بلافصل کارگران که روزی برای نمایش عزم و اتحاد برای بازگرداندن اختیار به انسان است!

در ایران نیز، از دوره رضا خان تا همین امروز، اول ماه مه و مبارزه کارگری بطور روزافزون و بالنده ای تکیه گاه و الهام بخش تلاش جامعه برای رفاه و عدالت و برابری و آزادی بوده است. آخرین نمونه همین خیزش انقلابی دیماه ۹۶ است که در صد شهر مردم معترض علیه همه جناح های جمهوری اسلامی به میدان آمدند. اما کیست که نداند این خیزش انقلابی بیش از هر چیز بر اعتراضات و اجتماعات و تظاهرات بی شمار کارگران و معلمان و بازنشستگان در سالهای اخیر برای "معیشت و منزلت" تکیه داشت؟ کیست که نداند زنان و مردان جوان نیروی محرکه اصلی این خیزش زیر و روکننده جان به لب رسیده ترین و رادیکالترین بخش های طبقه کارگر و مردم محروم بودند؟ و دقیقاً

## از صفحه ۱ در اهمیت اعتصاب و...



نسان نودینیان

کنکرت توسط کارگران و جوانان بیکار و کولبران علیه بیکاری و فقر بصره ای از مبارزات خیابانی با نمایش سفره های خالی به نمایش گذاشته شد.

### کارگران و جوانان کولبر اینبار بشکل دسته جمعی علیه بیکاری و فقر بمیدان آمدند.

با شروع اعتصاب در بانه و جوانرود و سپس در مریوان، پیرانشهر، سقز و سردشت کارگران و جوانان بیکار اینبار دسته جمعی در برگزاری راه پیمایی و پهن کردن سفره های حالی بمیدان آمدند. علیه بیکاری و فقر دست به اعتراض زدند و اعلام کردند "سفره خالی ما نان میخواهد"، و خواست کار یا بیمه بیکاری و امنیت معیشتی را فریاد زدند.

در مدت بیش از ۶ روزیکه فضای اعتصاب و اعتراض در شهرها حاکم شد، جنبش پهن کردن سفره های خالی شکل گرفت. اعتراض علیه بیکاری و برای نان و بیمه بیکاری در متن اعتصاب نمایش قدرت جمعی مردم، به خواست اصلی و مضمون اعتراضات کشیده شد.

یک روز پس از اعتصاب مردم در بانه، مردم شهرهای جوانرود، مریوان و سقز نیز به اعتصاب و راهپیمایی پرداختند، کارگران شهرک صنعتی بانه دست به اعتصاب زدند و ۲۹ فروردین مغازه داران شهر پیرانشهر و مجتمع بزرگ تجاری و تفریحی الماس در شهر جوانرود به اعتصاب پیوست.

### موضع سیاسی و رادیکال اعتصاب

در اطلاعیه دوم که توسط جمعی از کولبران و مردم شهرهای مریوان، بانه، جوانرود، اورامانات، سقز، سردشت، منطقه ترگو و مرگور و پیرانشهر منتشر شده آمده است: "همه به این واقعیت ساده آگاه هستیم که مسدود کردن مرزها، به معنی ممنوعیت معیشت در مرزها و پایان دادن به تنها راه پیدا کردن لقمه ای نان شرافتمندانه برای همه ما است. ما شاهد و شرکت کننده چندین جلسه و نشست با مسئولین دولتی جهت حل معضل بیکاری و رفع انسداد مرزها و معابر کولبری

بوده ایم. اما فرمانداران و نیروهای امنیتی و همه مسئولین دولتی تنها بر همان وعده های همیشگی و غیر واقعی خود اصرار می ورزند و نتیجه پایانی هر جلسه هم بکارگیری زبان تهدید سرکوب و خشونت است! نتیجای که ما در شهرهای جوانرود، بانه، مریوان، سقز، سردشت و پیرانشهر در این روزها از نیت وهدف دولت حاصل کرده ایم این بوده است که شما به اعتراضات خود پایان دهید و کار را به ما بسپارید! این هم یعنی هیچکس پاسخگو نیست و سفره فقر باید همچنان گسترده باقی بماند. اما پاسخ ما باید ادامه اعتراضات سازماندهی شده به شیوه های مختلف تا رسیدن به حقوق مسلم و سلب شده مان باشد. ما برای تامین يك زندگي ابتدایی و کارعادلانه و برابری در حقوق دست به اعتصاب زده ایم. در صورتی که همه متحدانه و فعالانه کنار هم قرار نگیریم و دست به يك اعتراض وسیع اجتماعی و مدنی نزنیم، بار سنگین این مبارزه برای کسب خواسته هایمان به شدت بر دوش هم سرنوشتانمان یعنی مغازه داران و کسبه شهرها خواهد افتاد!

و در اطلاعیه سوم نوشتند: «حاکمیت به سفره خالی مردم زحمتکش کردستان اهمیت نمی دهد، پس باید اعتراضات را به شکل تجمعات توده ای به خیابان های شهرهای کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی و خصوصا جلو فرمانداری ها هدایت کرد. دولت به عمق فاجعه آگاه است. می داند که مردم شنیدند بیکار و دچار فقر و تنگدستی مفرط هستند، اما آگاهانه هیچ اقدامی برای چاره یابی نمی کند. کاسبکاران پس از يك هفته اعتصاب انتظار داشتند که حاکمیت به اعتراض مدنی و دمکراتیک آنها احترام بگذارد و در جهت رفع مشکل و بازگشایی مرزها فوراً اقدام کند، اما چنین نشد. اکنون کاسبکاران و بیکاران و کارگران ضروری می دانند که به شکل دیگری جمهوری اسلامی را متوجه مشکلات و ظلم غیر قابل تحمل خود کنند. اگر مسئولین فکر کردند که ما بدون گرفتن حق و کسب دستاورد خاموش می نشینیم و نظاره گر گرسنگی بیشتر و تباه شدن زندگی خود و کودکانمان خواهیم بود، سخت در اشتباهند. یا باید به

این تحریم و محرومیت و تحمیل فقر پایان دهند یا منتظر شنیدن صدای اعتراضات سراسری خیابانی ما کاسبکاران و مردم رنج دیده مناطق مرزی باشند». در ادامه این اطلاعیه، مردم تهیدست شهرهای مرزی در کردستان به تجمع در روز ۴ اردیبهشت در مقابل فرمانداری شهرهای بانه، مریوان، جوانرود، سردشت، سقز و پیرانشهر و دیگر شهرهای مرزی فراخوانده شده اند.

### نماینده خامنه ای در مریوان و بانه مورد اعتراض کوبنده جوانان قرار گرفت.

اعتصاب و اعتراض مردم شهرهای کردستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ فروردین وارد فاز جدیدی شده است. در مریوان و بانه مردم به وعده های دروغین سعید جلیلی نماینده خامنه ای با اعتراضات کوبنده خود عکس العمل نشان دادند. جوانان رو در رو با جلیلی اعلام کردند که از هیچ چیز نیترسند و اگر لازم باشد هرکس روی مردم دست بلند کند را به سزای اعمالش خواهند رساند. جوانان بیکار به جمهوری اسلامی هشدار دادند و موضع تعرضی و حق طلبانه ای را اعلام کردند. اعتصاب سراسری و اعتراضات چند هزار از کارگران و جوانان بیکار لحن و دادخواهی مردم را علیه حاکمان جنایتکار تعرضی تر کرده است. سعید جلیلی که با این فضا مواجه شد، با عجله شهرهای بانه و مریوان را ترک کرد.

### حمایت دانشجویان

و ۲۹ فروردین دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان با راه پیمایی سمبولیک در دفاع از اعتصاب و علیه بیکاری با انتشار بیانیه ای اعلام کردند: «مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتصاب و اعتراض فراخواندند. در این اطلاعیه دانشجویان ضمن تاکید بر اهمیت اعتصاب، از خواست کار یا بیمه بیکاری حمایت کرده اند و کارگران و جوانان بیکار را به اعتراض سراسری علیه بیکاری فراخوانده اند.»

### ادامه دی ماه ۹۶

اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم

برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی میخواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

### روز جهانی کارگر

در ادبیات مارکسیستی میگویم: اعتصاب مدرسه انقلاب است. اعتصابی که در ۲۶ فروردین از بانه و جوانرود آغاز شد و در شهرهای مریوان، پیرانشهر و سقز ادامه داشت، به نمایش اعتراض خیابانی کارگران و جوانان بیکار تبدیل شد، به این معنی تجارب و درسهایی ارزشمند و قابل اتکا برای ادامه مبارزه در شهرهای کردستان علیه بیکاری و فقر را به کارگران و جوانان آموخت. مهمترین درس اعتراضات اخیر علیه فقر و بیکاری بالا نگه داشتن فضای اعتراض و مبارزه است. در شرایطی که به استقبال روز جهانی کارگر میرویم، بکار گیری درسهها و تجارب اعتراضات چند روز گذشته، بالا بودن آمادگی کارگران و جوانان بیکار با خواست کار یا بیمه بیکاری، مارش و مراسم های روز کارگر را تقویت خواهد کرد.

۴ اردیبهشت ۱۳۹۷  
۲۴ آوریل ۲۰۱۸



## نکاتی در مورد سیاست سازمانی و پراتیک کمونیستی حزب کمونیست کارگری ایران (۳)



محمد آسنگران

اکنون که بخش سوم این نوشته را به اطلاع میرسانم حزب پلاتفرمی را تصویب کرده است که این مباحث در آن جهت نوشته شده است. بخش سوم این نوشته را هنگامی دریافت میکنید که این سیاست به عنوان دستورالعمل اجرایی حزب به مصوبه حزب تبدیل شده است. زیرا حزب این سیاست را در دستور فعالیت خود دارد و همه ما به عنوان اعضا حزب موظف به اجرای آن هستیم. در ادامه دو بخش قبلی در این نوشته سعی میکنم به چگونگی استفاده و اهمیت میدیای اجتماعی پیردازم و بگویم اعضا حزب در زیر خطر پلیس امنیتی چگونه از آن استفاده کنند.

### از میدیای اجتماعی چگونه استفاده کنیم؟

واضح است علاوه بر دیدار حضوری و مثلاً هر يك یا دو هفته دیدار اعضا متشکل در واحدهای حزبی بطور روزمره تقریباً همه فعالین و اعضا حزب در میدیای اجتماعی کم و بیش حضور دارند. هدف از حضور اعضا حزب در صفحات متعدد اکنون عمدتاً برای خیر رسانی یا کسب خبر و اظهار نظر و شناخت از دیدگاههای مختلف و یا سازماندهی امر معینی است. اما علاوه بر این موارد اعضا و فعالین واحدهای حزبی میتوانند و باید برای مشورت کردن با همدیگر بطور روزمره از آن استفاده کنند. برای مثال يك گروه در یکی از ایهای سوسیال میدیا داشته باشند. این ارتباط روزمره و حتی لحظه ای میتواند باشد. لازم است اعضا حزب از اخباری که برای فعالیتشان از اهمیت برخوردار است و یا مورد توجه قرار گرفته است همدیگر را مطلع کنند. در مواردی که نکاتی برای اجرا و تبلیغ و سازماندهی به نظرشان میرسد به اطلاع بقیه واحد برسانند. برای این

کار يك ظرف مشترك لازم است. مثلاً همه اعضا يك واحد حزبی لازم است در يك گروه یا اطاق مشترك در ارتباط تنگاتنگ با همدیگر باشند. این کار کمک میکند که اولاً بیشترین خبر و گزارش را به اطلاع همدیگر برسانند و منتظر جلسه حضوری نشوند. ثانیاً مواردی اگر لازم شد زودتر از موعد جلسه حضوری واحد حزبی را تعیین و قرار و مدار را بشکلی طبیعی و در يك رابطه اجتماعی با هم چک و هماهنگ کنند. ثالثاً با توجه به اینکه مواردی لازم است فوری عکس العمل نشان داده شود، این امکان کمک میکند که واحدهای حزبی نقش موثر و به موقع ایفا نمایند.

در نتیجه وجود این گروهها، اعضا حزب میتوانند در فعالیت خود هماهنگی و پراتیک مشترك را پیش ببرند. اما علاوه بر اعضا واحد حزبی قاعدتاً افراد دیگری که الزاماً عضو واحد حزبی شما نیستند ولی مورد تایید شما هستند میتوانند عضو این گروهها باشند. اما برای ورود هر کس به این گروههای اینترنتی لازم است به آنها اعتماد داشته باشید. باید مطمئن باشید که آنها کسانی مورد تایید حد اقل يك نفر از اعضا واحد حزبی شما هستند. بدون تایید حداقل يك عضو حزب هیچ کس را نباید به این گروهها دعوت کرد. باید مواظب باشید هر کسی را به این جمعها دعوت نکنید. این جمعها محدود به کسانی است که به همدیگر اعتماد دارند. بعد از چک امنیتی و تایید حداقل يك عضو حزب کسانی که وارد این اطاق میشوند و با فعالیت اعضا گروه آشنا میشوند آنها هم تمایل بیشتری برای دخالت از خود نشان خواهند داد. آنها هم آموزش میبینند و هم میتوانند امکانات بیشتری به واحد مربوطه اضافه کنند.

اما علاوه بر خواص فوق هر عضو واحد حزبی بطور طبیعی در گروههای مختلف حضور دارد و در مباحث شرکت میکند. مباحث را دنبال میکند. از طریق شرکت در این گروهها و یا مشاهده مباحث بطور فردی در سوسیال میدیا به

او حزبی است و در واحد شما حضور ندارد یا عضو واحد شما نیست، نباید اطلاعاتی از خودتان به او بدهید. زیرا اطلاع از رابطه حزبی شما نباید از محدوده اعضا واحد خودتان فراتر برود. بنابر این باید اکیداً از پخش اطلاعات نالازم خودداری کرد.

رابطه حزبی شما فقط به شما و واحد حزبیستان محدود است و هیچکس دیگری نباید از آن مطلع شود حتی رفقای حزب در خارج کشور هم لازم نیست از رابطه شما با حزب مطلع بشوند. در عین حال اگر اطلاعاتی از رابطه حزبی رفقای دیگری هم دارید مطلقاً آن اطلاعات را نباید به کس دیگری حتی به واحد حزبی خودتان هم منتقل کنید. بنابر این اطلاعات همه ما فقط به اعضا واحد حزبیما محدود خواهد بود.

در میدیای اجتماعی باید فرض این باشد که نیروهای امنیتی مطالب و کامنتهای شما را میخوانند و تعقیب میکنند. با شما تماس میگیرند و سر بحث را باز میکنند و... اگر این فرض را داشته باشیم کامنتها و مطالب و اظهار نظر شما طوری باید فرمول بندی و منتشر شود که در يك محاکمه و دادگاهی هم بتوانید از آن دفاع کنید. این ملاحظات نباید باعث محافظه کاری بشود. ما میتوانیم رادیکالترین موضع سیاسی و نقد را بشکل نثر، طنز، شعر کاریکاتور و... بیان کنیم بدون اینکه کوچکترین رد امنیتی بر جای بگذاریم.

علاوه بر موارد فوق نکاتی که لازم است همه ما آنرا بدانیم و رعایت کنیم این است که: اگر کسی در جمع و یا حتی بطور فردی بدون ملاحظه امنیتی، خود را حزبی معرفی کرد یا در مورد رابطه حزبی کس دیگری یا خود شما کنجکاوی کرد، باید حساسیت امنیتی شما بیشتر بشود. چون کسانی که بی محابا و بدون ملاحظات امنیتی خود را حزبی معرفی میکنند یا ارتباط خود با افراد شناخته شده حزب را به شما اطلاع میدهند و... از دو حال خارج نیست. یا بی تجربه هستند و اطلاعات شما را هم میتوانند در جای دیگر مطرح کنند و باعث پخش اطلاعات نالازم بشوند و مشکل آفرین هستند، یا کسانی هستند که آگاهانه برای

نسبت توان و امکان خود نقش روشنگری، هدایت و سازمانگری میتواند داشته باشد. در جریان این نوع فعالیت در گروههای اینترنتی ما با افراد مختلف و افکار متفاوت مواجه میشویم. در جایی که لازم است دیدگاهی را نقد میکنیم. در جای دیگر عمل و سیاست درستی را ساپورت میکنیم. در جایی با افراد دیگر مشورت میکنیم و کسانی را با سیاست و افکار خود آشنا میکنیم و... این نوع دخالتگری امکانی را فراهم میکند که هر عضو حزب بتواند افراد مورد نظرش را در میان مخاطبین پیدا و به خود و حزب نزدیک کند. این نوع فعالیت يك عرصه عضوگیری میتواند باشد.

در این نوع فعالیت باید مواظب بود که هیچ رد امنیتی بر جا نگذارید. زیرا مواردی افراد امنیتی در پوشش مخالف رژیم ظاهر میشوند و با اسم جعلی تلاش میکنند رد پای ارتباط شما با حزب را پیدا کنند و یا فعالین سیاسی و اجتماعی را به دام بیندازند. حتی افرادی هستند تحت عنوان دفاع از این یا آن حزب اپوزیسیون چنان وانمود میکنند که مخالف رادیکال رژیم هستند. مواردی ممکن است افراد امنیتی خود را موافق و هم نظر شما و حتی نزدیک به حزب معرفی کنند تا از چند و چون فعالیت و رابطه شما با حزب مطلع شوند. بنابر این لازم است و باید هر لحظه مواظب تاکتیک وزارت اطلاعات و نیروهای امنیتی باشیم. در عین حال میتوانیم با هر کسی وارد دیالوگ و بحث سیاسی و اجتماعی بشویم بدون اینکه کوچکترین رد امنیتی و ارتباط با حزب به دست آنها بدهیم. فرض باید این باشد که رابطه حزبی شما فقط برای اعضا واحد حزبی شما معلوم است. این گزاره به این معنی است که لازم نیست و نباید هیچ کس دیگری از رابطه حزبی شما با حزب و اعضا واحد حزبیستان مطلع بشود. قرار و مدار و رابطه حزبی فقط به افراد واحد حزبی مربوط است نه هیچ کس دیگری. حتی اگر مطلع شدید که کس دیگری خود را حزبی معرفی میکند یا مطمئن هستید که

کسب اطلاعات از شما، خود را حزبی معرفی میکنند و میخواهند اعتماد شما را بدست بیاورند و... معمولاً این نوع افراد نحو رفتارشان با کنجکاوی همراه است و با سوالات نالازم در مورد شما یا افراد دیگر و یا دادن اطلاعات نالازم و یا خواهان کسب اطلاعات نالازم قابل تشخیص هستند. چنین افرادی اگر خودشان از افراد امنیتی نباشند، میتوانند از روی کنجکاوی ناآگاهانه باعث پخش اطلاعاتی بشوند که افراد امنیتی از آن استفاده کنند. برخورد ما باید با این افراد طوری باشد که هیچگونه اطلاعات تشکیلاتی دریافت نکنند. حتی اگر از رابطه خود با حزب میگویند باید به نحوی از کنار آن رد شد و تذکر داد که این مسائل به خود او مربوط است و شما به دانستن آن تمایلی ندارید.

### دخالت واحدهای حزبی و اعضا حزب در فعالیت اجتماعی

فعالیت اجتماعی در هر عرصه ای با توجه به اسم و خصلت اش فعالیتی علنی است. برای مثال يك مبارزه کارگری، یا دفاع از حقوق کودک و فعالیت در عرصه محیط زیست و دفاع از حقوق برابری زن و مرد و... را فقط میتوان به شکل علنی پیش برد. مبارزه اجتماعی مخفی نداریم. انسان خود يك موجود اجتماعی است و مبارزه ای اگر اجتماعی است به این معنی است که در جامعه علنی پیش برده میشود. اعتصاب و تحصن و تظاهرات و سمینار و کنفرانس و... معلوم است که علنی و در مقابل دولت و کارفرما و در جامعه اتفاق میفتد.

نکته ای که اینجا میخواهم بر آن تاکید کنم این است: به همان درجه که مبارزه امری علنی است تصمیم گیری برای وارد شدن به يك عرصه مبارزه و چگونگی تصمیم گیری در مورد اجرای آن و تاکتیکی که باید اتخاذ کرد و... الزاماً امری علنی نیست. اکثریت قریب به اتفاق مبارزات اجتماعی در همه عرصه ها ابتدا از يك نیاز آغاز میشود. این نیاز را قبل از هر کسی آدمهای آگاه و مبارز تشخیص میدهند. مثلاً اعتصاب برای اضافه دستمزد یا نیاز به سازمان دادن

## نکاتی در مورد سیاست سازمانی...

## اعتراض و اعتصاب در سقز، بانه، مریوان، جوانرود و پیرانشهر ادامه دارد.

بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمده‌اند.

اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان می‌تواند مانند جرقه‌ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده‌اند زبان تهدید حکومت را نمی‌پذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمی‌پذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را نمی‌پذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی می‌خواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

مردم آزادیخواه کردستان، کارگران و جوانان: متحد و یکپارچه به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی ادامه دهید. حکومت قادر به مقابله با اعتراض همزمان و متحدانه شما نیست. فعالین سیاسی و اجتماعی در شهر می‌توانند نقش مهمی برای بسیج و سازماندهی اعتراض توده‌های وسیع مردم باشند. در شهرک‌های صنعتی و در محلات باید شروع به ایجاد مراکز برای سازماندهی مردم کرد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از مردم شهرهای سنندج و بوکان و مهاباد، کامیاران و دیواندره و ربط و پیرانشهر می‌خواهد به این موج قدرتمند اعتراض در شهرهای دیگر بپیوندد. اعتصاب و تجمعات اعتراضی باید به سراسر کردستان کشیده شود. کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ فروردین ۱۳۹۷

۱۹ آوریل ۲۰۱۸

دانشجویان پیام نور مریوان مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتراض سراسری علیه فقر و بیکاری فراخواندند.

نماینده خامنه‌ای در مریوان و بانه مورد اعتراض کوبنده جوانان قرار گرفت.

اعتصاب عمومی و راهپیمایی و تجمعات اعتراضی در چندین شهر کردستان، سقز، بانه، مریوان، جوانرود و پیرانشهر ادامه دارد. اعتصاب و اعتراض مردم شهرهای کردستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ فروردین وارد فاز جدیدی شده است. در مریوان و بانه مردم به وعده‌های دروغین سعید جلیلی نماینده خامنه‌ای با اعتراضات کوبنده خود عکس العمل نشان دادند. جوانان رو در رو با جلیلی اعلام کردند که از هیچ چیز نمی‌ترسند و اگر لازم باشد هرکس روی مردم دست بلند کند را به سزای اعمالش خواهند رساند. جوانان بیکار به جمهوری اسلامی هشدار دادند و موضع تعرضی و حق طلبانه‌ای را اعلام کردند. اعتصاب سراسری و اعتراضات چند هزار از کارگران و جوانان بیکار لحن و دادخواهی مردم را علیه حاکمان جنایتکار تعرضی تر کرده است. سعید جلیلی که با این فضا مواجه شد، با عجله شهرهای بانه و مریوان را ترک کرد.

۲۹ فروردین دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان با انتشار بیانیه‌ای مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتصاب و اعتراض فراخواندند.

در این اطلاعیه دانشجویان ضمن تاکید بر اهمیت اعتصاب، از خواست کار یا بیمه بیکاری حمایت کرده‌اند و کارگران و جوانان بیکار را به اعتراض سراسری علیه بیکاری فراخوانده‌اند.

اعتصابی که در شهر بانه از روز ۲۶ فروردین شروع شد بسرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره‌های خالی در خیابان‌ها در شهرهای کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و

بتوانند در متن فعالیت آنها هم فعالیت خود را هماهنگ کنند و هم عضو گیری کنند و خودشان واحدهای حزبی را سازمان بدهند. نباید انتظار داشته باشیم دخالت این نوع چهره‌های شناخته شده در سازمان حزبی همانند بقیه اعضا باشد. در عین حال مسئله حفظ امنیت این رفقا حکم میکند که بقیه اعضا فعالیت حزبیشان را بدون حضور این چهره‌ها و یا دور از دخالت آنها سازمان بدهند. باید فرض همه ما این باشد که وسایل ارتباطی این رفقای شناخته شده، مانند اینترنت و تلفن و میدیای اجتماعی رفت و آمد با آنها و... تحت کنترل پلیس است. بنابراین هر نوع تماس با آنها مستقیم و غیر مستقیم علنی محسوب می‌شود. این فرض اگر مد نظر باشد حتی در تماس تلفنی و... باید فرض مسلم این باشد که تمام مکالمات و روابط این رفقا زیر نظر پلیس انجام می‌گیرد. بنابراین نقش اصلی رفقای شناخته شده هدایت و سازمان دادن فعالیت‌های علنی در چهارچوب سیاست‌های حزب و امکانات و تعادل قوای موجود است. انتظار بیش از این می‌تواند هم باعث ضربه پذیری آنها و هم به خطر افتادن بقیه رفقا شود.

این رفقا هیچ جا حتی در جمع اعضا حزب هم نباید خود را متصل به حزب و یا نزدیک به حزب معرفی کنند. اما این بدان معنی نیست که برای رد گم کردن و منحرف کردن پلیس علیه سیاست حزب چیزی بگویند. خیلی روشن و بدون ابهام این دسته از رفقای شناخته شده و علنی فعالیت خودشان را در هر عرصه‌ای که هستند به شکل علنی پیش می‌برند و همانند یک فعال اجتماعی و نه حزبی نقش ایفا می‌کنند. اما آنها می‌توانند خود را منتقد معترض، کمونیست و ضد تبعیض معرفی کنند. آنچه را که باید مواظب باشند رابطه حزبی و نزدیکی تشکیلاتی با حزب است که باید مطلقاً مخفی بماند. زیرا سیاست رادیکال و چپ و کمونیستی را نمایندگی کردن اصل کار آنها در عرصه فعالیتشان است.

\*\*\*

امری عرصه‌ای یا وسیع باشد. منطقه‌ای یا سراسری باشد و... برای حزب مهم است که اعضا حزب را واحدهای حزبی سیاست حزب را عملی کنند. به قول معروف نخود هر آشی باشند و در هر مبارزه انقلابی و مترقی باید دخالت کنند و تلاش کنند رنگ رادیکالیسم، پیگیری و اتحاد را به آن بزنند. در دل چنین مبارزات اجتماعی است که اعضا حزب باید تلاش کنند به نسبت توان و امکانی که دارند نقش جدی ایفا نمایند. محبوبیت و تجربه و کادر شدن و ارتقا پیدا کردن و عضو گیری و کادر پروری و... در دل چنین مبارزات جاری‌ای بیش از هر مکانیسم دیگری قابل اجرا و عملی هستند.

عضوی از حزب منهای این موارد (به دلیل وظایف حزبی معینی که خود حزب به او سپرده است و یا مواردی که به دلیل امنیتی برای فعالیتش محدودیت تعیین می‌شود) اگر در این عرصه‌ها دیده نشود باید بدانیم که سبک کارش و روشی که در پیش گرفته است ناکار و غیر موثر است و باید در روش خود تجدید نظر کند.

## نقش افراد شناخته شده و چهره‌های علنی در سازمان حزبی

چهره‌های علنی و شناخته شده که مشغول پیشبرد عرصه‌ای از مبارزه علنی و اجتماعی هستند، در جامعه‌ای مثل ایران امروز که حاکمیتی مستبد و پلیسی بر آن حاکم است، به دلیل محدودیت‌هایی که دارند ممکن است نتوانند همانند بقیه اعضا در واحدهای حزبی مورد بحث دخالت کنند. این رفقا لازم است به همان عرصه خود و محدوده‌ای که فعالیت علنی می‌کنند تمرکز داشته باشند. آنها از کانال‌های علنی و رسانه‌های عمومی از سیاست‌های حزب مطلع و خود را با حزب هماهنگ می‌کنند. برای مثال انتظار نباید این باشد که این دسته از رفقا عضوگیری کنند و یا در جمع‌های حزب مانند بقیه نقش ایفا کنند.

اما کاری که این رفقا انجام می‌دهند و سیاست رادیکالی که نمایندگی می‌کنند قاعدتاً زمینه‌ای فراهم می‌کنند که بقیه رفقای حزب

مبارزه برای پرداخت دستمزدهای معوقه یا مقابله با تعطیلی یک کارخانه و افشای نقش سرکوبگری حراست و دزدی کارفرما و یا مقابله با اخراج از کار و... ایده اولیه‌اش معمولاً از جانب فرد یا افرادی مطرح می‌شود. بعد از مطرح شدن ایده و قبل از سازمان دادن و آغاز مبارزه بشکل طبیعی و علنی، این ایده‌ها نزد افراد دیگری مطرح می‌شود و تصمیم گرفته می‌شود مبارزه‌ای بر سر خواسته‌های معینی سازمان داده شود.

از این مقطع مشورت و هماهنگی و چگونگی پیشبرد مبارزه و... از محدوده فرد خارج و افراد دیگری مشارکت می‌کنند. خود این پروسه ممکن است سریع یا طولانی طی بشود. اما از مقطعی که ایده از محدود فرد به افراد دیگری منتقل می‌شود و مشورت کردن و هماهنگی کردن آغاز می‌گردد، یک کار جمعی و درجه‌ای از سازماندهی شروع می‌شود. بنابراین این اصل است که ما تاکید می‌کنیم هیچ مبارزه هدفمند و اجتماعی‌ای بدون سازمان نیست. حال این سازمان می‌تواند پیچیده یا ساده و ابتدایی باشد. اما نباید شك کرد مکانیسم پشت هر حرکت هدفمند اجتماعی درجه‌ای از سازماندهی هست و فعالینی هستند که آنرا هدایت می‌کنند. اکثر مواقع در این مرحله ابتدایی و تدارک و سازماندهی اولیه فعالیت‌ها هنوز علنی نیستند. افرادی که در این مرحله دست اندرکار هستند را فعالین جنبش‌های اجتماعی می‌گویند.

اعضا حزب و واحدهای حزبی اگر خودشان در همین اولین قدمها حضور داشته باشند طبعاً باید تلاش کنند هر چه آگاهانه تر و قویتر با سیاست و تاکتیک مناسب آن مبارزه یا عرصه مبارزه را هدایت کنند. اما اگر خودشان در این مرحله حضور نداشته باشند به محض آغاز مبارزه که امری علنی است از آن مطلع می‌شوند. بعد از اطلاع باید بدون معطلی تصمیم بگیرند در آن دخالت کنند. سیاست حزب این است که ما از هر امر مترقی و انقلابی حمایت می‌کنیم. حال این امر ممکن است کوچک یا بزرگ باشد. ممکن است

## اعتراضات کارگری بی وقفه ادامه دارد!

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، کارگران اعتراضات شان را علیه وضعیت فلاکت بار اقتصادی در اشکال مختلف ادامه میدهند.

### ۳۰ فروردین: تجمع کارگران شهرداری دزفول

روز ۳۰ فروردین بیش از ۱۰۰ کارگر شهرداری دزفول برای پنجمین روز متوالی بخاطر تعویق ۴ ماهه دستمزد و عیدی و پاداش سال ۹۵ و ۹۶ و حق سنوات سال ۹۴ در مقابل شهرداری و فرمانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

### تجمع بازنشستگان رنگین نخ سمنان

تعدادی از بازنشستگان رنگین نخ سمنان در اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات، عیدی و حقوق معوقه در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. معوقات این کارگران از سال ۹۲ که کارخانه تعطیل شده، پرداخت نشده است.

### ۲۹ فروردین: تجمع کارگران صنایع شیر تهران شهداد

برای سومین روز متوالی بیش از ۴۰ نفر از کارگران صنایع شیر تهران شهداد موسوم به وارنا ورامین در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع مقابل کارخانه زدند.

### اعتصاب و تجمع کارگران شهرداری دارخوین

بیش از ۵۰ کارگر شهرداری دارخوین در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق دست به اعتصاب زده و مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند.

### زنده یاد کارگران پالایشگاه ایلام کارگران پالایشگاه گاز ایلام موفق شدند ۱۱ همکار اخراجی خود را به کار بازگردانند.

بدنبال اعتراضات چندین روزه کارگران پالایشگاه گاز برای بازگرداندن ۱۱ همکار اخراجی خود به سر کار، روز ۲۷ فروردین جلسه "کمیسون کارگری" حکومتی در استانداری ایلام تشکیل شد و زیر فشار این اعتراضات قرار شد کارگران اخراجی این پالایشگاه از روز ۲۹ فروردین به سرکارشان بازگردند.

### ۲۸ فروردین:

### اعتراضات گسترده و اعتصاب عمومی در شهرهای مختلف کردستان علیه فقر و بیکاری

کارگران بیکار، کولبران و کسبه شهرهای بانه، مریوان، سقز، جوانرود، پیرانشهر و از روز ۲۶ فروردین دست به راهپیمایی زده و در خیابان ها سفره های خالی را بعنوان اقدامی سمبلیک علیه فقر و بیکاری به معرض نمایش گذاشتند.

بیش از ۱۸۰۰ کارگر شهرک صنعتی بانه در اعتراض به بسته شدن مرزها و علیه فقر و بیکاری دست به اعتصاب زدند.

### کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواهان بازگشت به کار همکاران خود هستند

کارگران گروه ملی فولاد اهواز از روز ۲۶ فروردین در اعتراض به ممنوع الورد شدن تعدادی از همکارانشان توسط مدیریت در مقابل دفتر حراست و اموراداری شرکت تجمع کرده و خواهان بازگشت به کار همکاران خود شدند. کارگران اولتیماتوم داده اند در صورتی که همکارانشان به سر کار برنگردند، دست به اعتراضات گسترده تری خواهند زد.

۲۷ فروردین  
تجمع کارگران شرکت پرلیت در برابر پروژه ایران مال (وابسته به بانک آینده) بعلت عدم دریافت حقوق شش ماهه خود دست به تجمع زدند.

### تجمع کارگران شرکت حمل و نقل خلیج

پرسنل شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج در اعتراض به نپرداختن ۷ ماهه بیمه دست به تجمع اعتراضی در داخل ساختمان خصوصی سازی زدند.

### اعتصاب کارگران راه آهن شمال شرق

کارگران راه آهن شمال شرق ۱ در مهمانسرا دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند.

### تجمع کارگران کارخانه روغن نباتی نورگس شیراز

۲۰۰ کارگر کارخانه روغن نباتی نورگس شیراز در اعتراض به متوقف شدن خطوط تولید، بلاتکلیفی شغلی وعدم پرداخت ۳ ماه حقوق دست به تجمع مقابل استانداری فارس زدند.

حزب کمونیست کارگری کارگران سراسر کشور را فرامیخواند که با تمام قوا خود را برای برگزاری مراسم های باشکوه روز جهانی کارگر آماده کنند. اول ماه مه امسال میتواند روزی مهم در جنبش کارگری علیه جمهوری اسلامی باشد.

پیش بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری  
زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۱ فروردین ۱۳۹۷  
۲۰ آوریل ۲۰۱۸

## بیانه شکل های مستقل کارگری پیرامون اوضاع حاکم بر کشور و فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر

تن فروشی و اعتیاد به مواد مخدر را به عرش رساندند. کودکان کار، زیاده گردی برای سیر کردن شکم، کلیه فروشی، کارتن خوابی، کولبری و کشتار کولبران، دست فروشی و ضرب و شتم دست فروشان، خودکشی، بیکاری و نومیدی جوانان، دزدی و اختلاس و هزار و یک مصیبت اجتماعی دیگر را به بخش لاینفکی از شرایط زندگی و حیات یک جامعه هشتاد میلیونی تبدیل کردند و اینک سرمست از غارتگری هایشان، آنجا که در مقابل مردم به جان آمده از وضعیت فلاکت بار موجود قرار می گیرند، از سوئی با سرکوب و بر پا کردن دار و درفش و از سوی دیگر با عوام فریبی و متهم کردن یکدیگر، همچنان سعی در تداوم سیاست های ویرانگرانه چهل سال گذشته خود دارند.

در حالی که سبد هزینه واقعی زندگی یک خانوار چهار نفره بالای پنج میلیون تومان است و عوامل و جیره خواران حکومت در نهادهای دست ساز کارگری، آن را سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین کردند؛ با این حال این جیره خواران همراه با اربابانشان، به طور بی شرمانه ای چشم در چشم میلیون ها کارگر، با امضا و تصویب یک میلیون و یکصد و چهارده هزار تومان به عنوان حداقل مزد، اعلام کردند سهم شما کارگران از زندگی، فقر و فلاکت، خودکشی، کلیه فروشی و غوطه ور شدن در تباهی است.

دولت و کارفرمایان و جیره خوارانی تحت عنوان نماینده کارگر، با تعیین چنین مزد خفت باری و همچنین نبود هیچ تضمینی برای دریافت همین مزد و استفاده گسترده و هر روزه از نیروی سرکوب در مقابل حق خواهی ما کارگران، دست به اعلام جنگی آشکار برای به بردگی کشاندن بیش از پیش ما زده اند.

سرکوب خیزش بر حق مردم علیه فقر و گرانی در دی ماه سال گذشته - به هیچ انگاشتن

سال ۹۷ را در شرایطی آغاز می کنیم که دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر بر کارگران تحمیل شده و در عین حال شیرازه های اقتصاد و اداره جامعه به شکل غیرقابل کنترلی در حال از هم گسیختگی است و در این میان جناح های مختلف قدرت برای بقا و تامین منافع ضدانسانی خود، هیچ برنامه ای جز تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به میلیون ها کارگر و مردم زحمتکش ایران و سرکوب اعتراضات بخش های مختلف جامعه ندارند.

کسانی که چهل سال پیش با ژست مستضعف پناهی و با بوسه به دستان کارگران بر سرنوشت جامعه حاکم شدند، بی هیچ شرمی در ملاعام بر کرده کارگر شلاق زدند؛ آنان را به سلول های انفرادی انداختند و با تعقیب قضائی و احکام زندان طویل المدت، مهر بردگی بر پیشانی شان کوبیدند. با ممنوعیت اعتصاب و تشکل های مستقل کارگری و سرکوب هر گونه فریاد حق خواهی کارگران، شرایطی را پدید آوردند که امروزه در ایران به عنوان یکی از ثروتمند ترین کشور های جهان، حداقل مزد کارگران، چهار برابر زیر خط فقر است و این دستمزد شرم آور در اغلب مراکز تولیدی و صنعتی با ماه ها عقب افتادگی و به ضرب و زور اعتراضات مداوم کارگران پرداخت می شود و در بسیاری از مراکز اقتصادی به علت فقر و بیکاری همین حداقل دستمزد هم پرداخت نمی شود؛ خصوصی سازی یا اختصاصی سازی واحدهای تولیدی همچنان ادامه دارد و به تعطیلی واحدهای تولیدی، یکی پس از دیگری، منجر می شود؛ با اجرای طرح های انتقال آب با هدف افزایش سطح کشت محصولات صادراتی مانند پسته که سود سرشاری را نصیب صاحبان سرمایه می کند، همراه با صدمات جبران ناپذیر به محیط زیست، زندگی هزاران کشاورز به ورطه فقر و نابودی مطلق کشیده شده است.

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



### از حامیان دختران پارک طبیعت در تهران

مینو حسن آبادی سنندجی که از حامیان دختران پارک طبیعت در تهران بود. از صبح امروز به ستاد اخلاقی در تهران خیابان آرژانتین مراجعه کرده است. تاکنون هیچ خبر از وی نیست!

روز ۲۰ فروردین ماه در حالی که شاهد تعرض گشت ارشاد به چند دختر جوان است. وی دخالت میکند. و تلاش میکند دختران را که مورد ضرب شتم گشت ارشاد هستند کمک کند. سپس وی دستگیر میشود و در زندان نگهداری میشود. با وثیقه ۴۰ میلیونی آزاد میشود. پس از آزادیش برایش احضاریه ارسال میشود که خود را به ستاد اخلاقی معرفی کند.

از صبح روز دوم اردیبهشت ساعت ۸ صبح تاکنون از وی هیچ خبر و اطلاعی در دست نیست!

صدای مینو باشیم. نسرین ستوده و کیل دادگستری و کلات مینو حسن آبادی سنندجی را قبول کرد! مینو از حامیان دختران پارک طبیعت تهران بود.

روز ۲ اردیبهشت مینو حسن آبادی سنندجی به ستاد امنیتی اخلاقی در خیابان آرژانتین رجوع کرده است.

مسئولین این ستاد با ورود مینو ابتدا گوشی مینو حسن آبادی سنندجی را مصادره میکنند. سپس با بیشرمی اعلام میکنند، که این اقدام و حرکت پارک طبیعت از پیش

توسط شما برنامه ریزی شده بوده است. رنگ مانتو مینو حسن آبادی سنندجی هم اتهامی است که ظاهراً

در پرونده وی ذکر شده است. تمامی این اتهامات و پرونده سازنها دستگاه امنیتی فقط برای مرعوب کردن مبارزه جنبش زنان است. این

پرونده سازنها و این دروغ پردازیها برای این است، که مردم را بترسانند. این پرونده سازنها با برنامه ریزی از سوی نیروهای امنیتی تلاش دارد

مردم را بترساند از اینکه در مرادی که اوایش مزدورشان را بجان میردم میاندازند سکوت کنند.

فضای امروز در جامعه ایران تغییر کرده است. توازون قوا چنان است که مردم دیگر در مقابل تعرض و توحش سکوت اختیار نمیکند و سریعاً دخالت میکنند.

ما همچنان اعلام میکنیم: چنین اتهاماتی و پرونده سازنها فقط مردم را متحد تر میکند برای مقابله با این تعرض وحشیانه و بی شرمانه به شهروندان

مردم هر کجا شاهد تعرض نیروهای امنیتی به مردم هستند، هر کجا شاهد تعرض نیروهای سرکوبگر به زنان هستند سریعاً مقابله کنید. سریعاً وارد عمل شوید.

زنده باد مردم متحد  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
از صفحه فیس بوک اعتراض.  
نسرین رمضانعلی

### نجیبه صالح زاده در دادگاه انقلاب سقر تبرئه شد

نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی از فعالین کارگری که چندی پیش با اتهام تبلیغ علیه نظام در شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان سقر محاکمه شده بود، از اتهامات تبرئه شد.

وی که چندی پیش با اتهام تبلیغ علیه نظام به دادگاه احضار شده بود، پس از برگزاری یک جلسه دادگاه توسط شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان سقر از اتهامات وارده تبرئه شد.

نجیبه صالح زاده ۱ بهمن ماه سال گذشته طی تماس تلفنی به شعبه سوم دادپاری دادگستری شهرستان سقر احضار شده بود.

او در تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ در شعبه اول دادگاه انقلاب سقر حاضر شد و طی یک جلسه سی دقیقه‌ای محاکمه شد. وی ضمن رد

اتهام وارده اعلام کرد " اگر دفاع از همسر (محمود صالحی) تبلیغ علیه نظام محسوب می شود حرفی برای گفتن ندارم.

**گزارشی از اقدامات انجام شده در جهت حمایت از گلرخ ایرایی از طرف کمیته مبارزه برای آزادی**

### زندانیان سیاسی

بدنبال ضرب و شتم گلرخ ایرایی و اتنا دانمی و انتقال آنان از زندان اوین به زندان قرچک، این دو زندانی سیاسی در تاریخ ۱۴ بهمن ۹۶ در اعتراض به انتقال آنان بدون هیچ توضیح قضایی و فشار سیستماتیک وارده به آنها دست به اعتصاب غذا زده و خواستار بازگشت به زندان اوین شدند اما اتنا دانمی به دلیل مشکلات جسمی بعد از عمل مجبور به پایان دادن به اعتصاب غذای خود شد، ولی گلرخ ایرایی اعلام کرده تا رسیدن به خواسته خود به اعتصاب غذا ادامه خواهد داد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی جهت جلب افکار عمومی و حمایت های بین المللی از گلرخ ایرایی و اتنا دانمی اقداماتی را در دستور خود قرار داد. از جمله از این اقدامات تماس نمایندگانی این کمیته با ارباب اروپایی در پارلمان، سازمانهای مدافع حقوق زنان و اتحادیه اروپا بود.

در ادامه این تماسها با سازمان فرانت لاین دفندر و سازمان فریدوم ناو که سازمان وکلای مدافع حقوق بشر میباشد تماس گرفته شد و از آنها درخواست شد تا در رابطه با وضعیت گلرخ و اتنا عکس العمل نشان داده و در صورت امکان در رابطه با این دو زندانی در سی وهفتمین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل که در ماه مارس برگزار میشود صحبت کنند.

لازم به ذکر است به دنبال این تماسها سازمان فرانت لاین دفندر طی نامه ای به مقامات رژیم ضمن شرح وضعیت گلرخ و اتنا، چگونگی انتقال اجباریشان به زندان قرچک،

خواستار بازگرداندن این دو زندانی به بند زنان زندان اوین و همچنین آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان شدند. فرانت لاین دفندر همچنین به

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اطلاع داد که دفاتر اروپایی این سازمان پرونده گلرخ و اتنا و وضعیتشان را با پارلمان اروپا و همچنین در بخش سیاست خارجه اتحادیه اروپا مطرح کرده است.

همچنین در این رابطه نماینده گان این کمیته با بنیاد جیمی ولز در رابطه با وضعیت گلرخ ایرایی و سهیل عربی تماس گرفتند. جیمی ولز بنیانگذار و رئیس بنیاد ویکی

## بیانیه شکل های مستقل کارگری...

از صفحه ۶

مطالبات کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان، جوانان، زنان، دانشجویان، دانشگاهیان و روشنفکران، دگراندیشان و صدها هزار مالباخته موسسات مالی وابسته به حوزه قدرت - متوسل شدن نهادهای انتظامی و امنیتی و استانداران و فرمانداران برای به کار واداشتن کارگران بدون دریافت مزد ماهانه با ضرب و زور سرنیزه (همچون هزاران کارگر نیشکر هفت تپه) - سیاست دولت در ایجاد شوک در بازار ارز و افزایش یک باره قیمت دلار به بالای شش هزار تومان و بر این بستر، خالی کردن جیب مردم و افزایش ۵۰۰ تومانی نرخ رسمی دلار- نابودی محیط زیست و منابع آبی کشور در نتیجه نبود هیچ اراده ای در میان حکومتگران برای جلوگیری از آن - تبدیل شدن بسیاری از شهرهای کشور به محلی برای مرگ تدریجی کودکان و پدران و مادران به دلیل پدیده ریزگردها (که همین روزهاست تمام کشور را دربرگیرد) و آلودگی آب ها و هوای آلوده و با توجه به از هم گسیختگی بیش از پیش شیرازه زندگی اجتماعی و اقتصادی سیاسی کشور در سطح کلان، ما کارگران را به این نتیجه می رساند که دیگر نباید به امید چیزی جز دست بردن به اعتراضات سراسری و نیروی متحدان برای خلاصی از وضعیت جهنمی موجود بنشینیم.

اول ماه مه روز جهانی کارگر پیش روی ما کارگران است. این روز، روز ماست. روز اعتراض و اتحاد ما علیه ستم و بردگی در سرتاسر جهان است. ما می توانیم و باید در جای جای کشور دستهایمان را در دست همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهائی از فقر و فلاکت، نیروی ما هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان، معلمان، کشاورزان و عموم توده های آزاده مردم ایران، گام های تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مشقات و مصائب موجود و بن بست اقتصادی سیاسی کشور برداریم.

نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گرو اعتراضات سراسری ماست.

پیش به سوی اعتراضات گسترده در اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر ۲۹ فروردین ۱۳۹۷

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

سندیکای نقاشان استان البرز

کانون مدافعان حقوق کارگر

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل کارگری ایران

\*\*\*

مدیا میباشد و بنیاد وی عمدتاً در رابطه با حق آزادی بیان فعالیت کرده و از فعالین آزادی بیان در کشورهای مختلف حمایت میکنند.

در ادامه جلب حمایت جهانی از این کمپین نمایندگان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با حزب سوسیالیست در هلند و حزب چپ و عفو بین الملل فتالند تماس حاصل نموده و طی نامه ای از وضعیت گلرخ و اتنا خواستار حمایت این احزاب از این دو زندانی سیاسی شدند و بدنبال این درخواستها دو عضو حزب سوسیالیست در پارلمان هلند در طی نامه ای علاوه بر

اعلام حمایت خود از این کمیسیون همچنین مطرح کردن سوالاتی را از وزیر امور خارجه در مورد زندانیان سیاسی در پارلمان خود نمودند به موازی تماسهایی با سازمانها و احزاب سیاسی در کشورهای مختلف، باید از برگزاری برنامه های تلویزیونی از تلویزیون کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و برپائی طوفان توثیتری نام برد

علاوه بر این باید به تهیه کلیپ هایی توسط اعضا کمیته به حمایت از گلرخ و خواسته های او و همچنین



نسان نودینیان

## نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات  
هفته از شهرهای کردستانمحرومیت افشین قادرزاده  
از تحصیل

افشین قادرزاده، نوجوان ۱۶ ساله اهل روستایی از توابع بوکان، بدلیل کوتاه بودن قد "۶۴ سانتی متر" از تحصیل محروم شد.

محرومیت از تحصیل بدلیل کوتاه بودن قد توسط ارگانهای آموزش و پرورش حکومت اسلامی در بوکان اقدامی ضد انسانی و زیر پا گذاشتن کرامت و حرمت انسانی افشین قادرزاده است.

دولت و آموزش و پرورش موظفند، امکانات تسهیلی برای حضور افشین قادرزاده در مدرسه را فراهم کنند.

از حق ادامه تحصیل افشین قادرزاده باید دفاع کرد. همکلاسی های افشین و مردم شهر بوکان نباید در مقابل این اقدام ضد انسانی سکوت کنند.

## بایام ۹ ماه است حقوق نگرفته

باسلام میخواستیم بگم بایام کارگرشهرداری میروانه حدود نه ماهه حقوق کارگریش تنظیم رو ندادن اگر لطف کنید به گوش مسئولین برسوید ممنون میشیم بخدا گناه داریم. مسئولین خودشون رو جای ما بذارن و یا حداقل تصور کنن و ببینن چه جور میشه زندگی کرد با چند ماه حقوق ندادن

آزادی شش تن همزمان با  
ادامه ی بازداشت چند تن دیگر در  
شهرهای مختلف

شش تن از افرادی که در پی اعتصاب و اعتراضات بازاریان در شهرهای بانه، جوانرود، میوان و سقز بازداشت شده بودند، به صورت موقت آزاد شدند و همزمان دو شهروند در بانه و یک تن در سردشت بازداشت و جهت بازجویی به بازداشتگاه های امنیتی منتقل شده اند.

نسرين ستوده وکیل دادگستری  
و کلات مینو حسن آبادی سندجی  
را قبول کرد!

مینو از حامیان دختران پارک

## طبیعت تهران بود .

روز ۲ اردیبهشت مینو حسن آبادی سندجی به ستاد امنیتی اخلاقی در خیابان آرژانتین رجوع کرده است.

مسئولین این ستاد با ورود مینو ابتدا گوشی مینو حسن آبادی سندجی را مصادره میکنند. سپس با پیشروی اعلام میکنند، که این اقدام و حرکت پارک طبیعت از پیش توسط شما برنامه ریزی شده بوده است. رنگ مانتو مینو حسن آبادی سندجی هم اتهامی است که ظاهرا در پرونده وی ذکر شده است .

تمامی این اتهامات و پرونده سازه های دستگاه امنیتی فقط برای مرعوب کردن مبارزه جنبش زنان است. این پرونده سازه ها و این دروغ پردازیها برای این است، که مردم را بترسانند. این پرونده سازه ها با برنامه ریزی از سوی نیروهای امنیتی تلاش دارد مردم را بترساند از اینکه در موردی که او باش مزورشان را بجان میرود میاندازند سکوت کنند .

فضای امروز در جامعه ایران تغییر کرده است. توازن قوا چنان است که مردم دیگر در مقابل تعرض و توحش سکوت اختیار نمیکنند و سریعاً دخالت میکنند .

ما همچنان اعلام میکنیم: چنین اتهاماتی و پرونده سازیها مقابل مردم را متحد تر میکند برای مقابل با این تعرض وحشیانه و بی شرمانه به شهروندان!

مردم هر کجا شاهد تعرض نیروهای امنیتی به مردم هستند، هر کجا شاهد تعرض نیروهای سرکوبگر به زنان هستند سریعاً مقابله کنید. سریعاً وارد عمل شوید .

گزارش از محاکمه  
عثمان اسماعیلی

کارگران ، مردم آزاده

چنانچه اطلاع دارید در تاریخ ۹/۱۲/۹۶ جهت سپری کردن احکام صادره از سوی شعبه چهارم

دادگاه تجدید نظر استان کردستان خود را به زندان مرکزی سقز معرفی کردم. ۱۰ روز بعد ماموران امنیتی به منزل ما مراجعه می کنند تا بنده را دستگیر نمایند. ماموران وقتی زنگ منزل ما را به صدا در می آورند، همسر در را باز می کند و ماموران بدون اینکه به حریم خصوصی ما توجه کرده باشند وارد اتاق شده و از همسر من سوال می کنند.

عثمان اسماعیلی کجاست؟

همسر شوکه شده و اظهار می دارد که عثمان اسماعیلی ۱۰ روز بیشتر است که در زندان بسر می برد ، چه شده که شما ها بدون هماهنگی وارد منزل ما شدید؟

ماموران به همدیگر نگاه می کنند و می گویند " چرا ما اطلاع نداریم؟"

همسر رو به ماموران می گوید " این مشکل شماست که اطلاع ندارید..."

تاریخ ۲۳/۱/۹۷ مامور ابلاغ به منزل ما مراجعه و احضاریه ای به شماره ۹۶۱۰۱۰۸۷۴۱۷۰۲۳۸۰ تاریخ تنظیم ۲۸/۱۱/۹۶ تحویل خانواده ام می دهد. به اسناد به آن ابلاغیه باید در مهلت ۵ روز خود را به شعبه سوم دادیاری دادسرای عمومی و انقلاب سقز معرفی کنم. در غیر اینصورت حکم جلب صادر خواهد شد.

وقتی ابلاغیه به خانواده من ابلاغ می گردد من در زندان بودم و دقیقاً همان روز پایان زندان من بود.

در تاریخ ۲۷/۱/۹۷ با سپری کردن احکام صادره از زندان آزاد شدم. روز شنبه مورخ ۱/۲/۹۷ ساعت ۹ صبح به شعبه سوم دادیاری سقز خود را معرفی نمودم و اظهار کردم که من عثمان اسماعیلی هستم و تازه از زندان آزاد شده ام. دفتردار پرونده را به قاضی تحویل داد و بعد از چند لحظه محاکمه شروع شد.

قاضی: اسم و نام خانوادگی؟

ج- عثمان اسماعیلی.

قاضی: شما سابقه کیفری دارید؟

ج- بلی من سابقه کیفری دارم و از سن ۱۹ سالگی درک کردم که در جامعه ما نابرابری وجود دارد و بر همین اساس با این بی عدالتی مبارزه کرده ام و مدت ۲۴ سال

تبعید و زندانی بوده ام. قاضی: آقای اسماعیلی شما متهم هستی که با رسانه های خارجی و ضد انقلاب علیه نظام مصاحبه کرده اید؟ و اداره اطلاعات از شما شاک می باشد.

ج- بلی من مصاحبه کرده ام و آن را انکار نمی کنم.

قاضی: شما در مورد محمود صالحی و رضا شهابی و زندانیان سیاسی با رسانه ها مصاحبه کرده اید و اداره اطلاعات را متهم کرده اید که اداره اطلاعات باید شرم کنند از اینکه محمود صالحی را بازداشت کرده اند و... دفاعیات شما در این مورد چیست؟

ج- جناب قاضی ، محمود صالحی و رضا شهابی و سایر زندانیان سیاسی و کارگران زندانی، نباید در زندان باشند. من بعنوان یک انسان وظیفه خود می دانم که از آنان دفاع کنم. در ضمن هیچ مرجع قضایی به من نگفته است تا مصاحبه نکنم. آقای قاضی من از شما سئوال می کنم؟ آیا این چه وزارت اطلاعاتی است که یک فرد مریض و دیالیزی را بعد از دیالیز و بدون هیچ ابلاغیه ای او را در حیاط بیمارستان بازداشت می کنند؟ جناب قاضی خبر دستگیری محمود صالحی بلافاصله دردیابی مجازی و میان مردم پخش شد و همه افراد جامعه از این بابت نگران بودند. من هم از این موضوع با خبر شدم و به وظیفه انسانی خود دانستم تا از محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی دفاع کنم و دفاع خواهیم کرد. جناب قاضی کسی که از مریضی کلیه و قلب رنج می برد و تحمل حبس را ندارد چرا باید او را بازداشت کنید؟ آن فرد زندگی خود را وقف انسانیت و در راه رهایی طبقه کارگر مبارزه کرده است. آیا من کارگر نباید از او دفاع کنم؟ اگر آن فرد در زندان جان خود را از دست بدهد، چه فایده ای دارد که من سر مزار او گریه کنم، در صورتی که این فرد عزیزترین دوستم است. آن فرد نه تنها همفکر است بلکه در راستای دفاع از طبقه کارگر همراه هستیم. طبقه کارگر تمام خدمات جامعه را تولید می کند، اما خود از همه بی بهره است. این چه مملکتی است که طبقه کارگر را محروم نگاه داشته است؟ جناب قاضی من بچه بازار کار هستم و هزاران نفر مثل من از

بچگی وارد بازار کار شده اند. ما کارگران مهد کودک، مدرسه و ساختمان برای جامعه درست می کنیم، اما بچه های ما محروم از آن هستند.

قاضی: بله حق با شماست.

جناب قاضی آیا حقوقی که دریافت می کنید زندگی خانوادگی شما را تامین می کند؟ به همین دلیل است که ما کارگران بر علیه نظم موجود و سرمایه داری مبارزه می کنیم. یک عده کارفرما بی انصاف را به جان ما کارگران انداختید تا به هر شکل که خود تشخیص دهند ما کارگران را استثمار کنند و آب از آب هم تکان نمی خورد. به ما کارگران می گویند امنیت مملکت را به خطر انداختیم. من از شما سئوال می کنیم ما کارگران امنیت مملکت را به خطر انداختیم یا آنانی که حقوق های نجومی دریافت می کنند؟ ما مملکت را به خطر انداختیم یا افرادی که سرمایه مملکت را به تاراج برده اند و امروز در خیابانها اروپا مشغول عیش و نوش هستند؟ ما کارگران مملکت را به خطر انداختیم یا کسانی که سرمایه ما را صرف بازسازی و جنگ در کشورهای دیگر می کنند؟ ما کارگران درخواست حقوق های معوقه کرده ایم، ما کارگران مخالف قراردادهای سفید امضاء هستیم، ما کارگران خواستار امنیت شغلی هستیم. آیا این درخواست ها مملکت را به خطر انداخته است که امروز ده ها کارگر در زندان بسر می برند؟ این چه مملکتی است که اکثریت مردم آن کارتن خواب و اقلیتی کوچک تمام سرمایه این کشور را در اختیار دارند؟ این چه مملکتی است که روزانه ده ها نفر را به زندانها می فرستند؟ این چه مملکتی است که در طول ۴۰ سال کالاهای از مرزها سرازیر شده و شما می خواهید یک شبه جلو آن را بگیرید و هزاران انسان کولبر را از نان روزانه محروم کنید؟ آقای قاضی من تازه از زندان آزاد شدم و داخل زندان را بررسی کردم. افرادی که امروزه اتهام مشروب، پوشاک، سیگار و مواد مخدر در زندان هستند هیچ کدامشان مجرم نیستند بلکه آنان قربانیان نظام نابرابر سرمایه داری هستند. اگر



## از صفحه ۸ نگاه هفته: مجموعه اخبار...

برای هر کدام از این افراد کار ایجاد کنیم و مشغول به کار باشند جرم و جنایت صفر خواهد شد. آن همه زندانی که در زندان نگهداری می کنید بعد از پایان حبس یک بار از آن افراد سؤال کرده اید که بعد از زندان به چه کاری مشغول هستی و منبع درآمد شما چیست؟ آن وقت انتظار دارید که جرم و جنایت از بین برود؟

جناب قاضی من یکی از آن افراد هستم که به برابری انسانها اعتقاد دارم و خواستار برچیده شدن هر گونه نابرابری در جامعه زیر نام نژاد، زبان، قومیت و لباس هستم. من خواهان حکومت کارگری هستم تا تمام انسانها کار کنند و به اندازه نیازشان از خدمات مملکت استفاده کنند.

جناب قاضی، سرمایه داران توان کار کردن ندارند و اگر یک روز ما کارگران اراده کنیم که برای چند روز سود برای آنان تولید نکنیم آن افراد از گرسنگی خواهد مرد. ما کارگران در جامعه سرمایه داری برای به دست آوردن خواست و مطالبات خود باید مبارزه کنیم و این مبارزه تا نابودی نظام سرمایه داری ادامه دارد و با محاکمه من و امثال من جامعه درست نخواهد شد. من نه اولین نفر هستم و نه آخرین نفر خواهم بود.

دیگر حرفی برای گفتن ندارم از شما سیاستگذارم که به صحبت های من گوش دادی و اجازه دادی تا صحبت هایم را عرض کنم.

عثمان اسماعیلی  
تاریخ ۲/۲/۹۷

### تجمع اعتراضی کارگران شرکتی استان کرمانشاه نسبت به تبدیل قراردادشان به روزمزدی مقابل استانداری

صبح روز یکشنبه دوم اردیبهشت، جمعی از کارگران شرکتی استان کرمانشاه (شهرداری، کشتارگاه ها، آبفا و...) در اعتراض به دستورالعمل ابلاغی سازمان بازرسی مبنی بر تبدیل نیروهای شرکتی به روز مزد، مقابل استانداری تجمع کردند.

بنابه گزارش منتشره تعدادی از کارکنان شرکتی کشتارگاه و باغ فردوس کرمانشاه در اعتراض به

ابلاغیه اخیر بازرسی در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند و همچنین کشتارگاه بیستون از توزیع گوشت خودداری کرده است.

حدود ۴ هزار و ۵۰۰ نفر از نیروهای شرکتی در کرمانشاه وجود دارد که با احتساب خانواده هایشان شمار آنان به ۲۰ هزار نفر خواهد رسید، البته نیروهای شرکتی عمدتاً در شهرداری، کشتارگاه ها و آبفا مشغول کار هستند.

اعتراض این نیروها به این دلیل بوده که در صورت تبدیل عضویت آنان به روزمزد حقوق آنان کاهش خواهد یافت. همچنین در ادامه این تجمع کشتارگاه ها از توزیع گوشت خودداری کردند.

مدیر کل دامپزشکی استان کرمانشاه در این خصوص گفت: تجمع نیروهای کشتارگاه بیستون در اعتراض به تصمیمات مالی شهرداری است و کارکنان شهرداری به دلیل مسائل مالی و نه بهداشتی اعتصاب کردند.

دکتر نادر پرور افزود: این تجمعات هیچ ارتباطی به مسائل بهداشتی و اداره دامپزشکی ندارد و می بایست از طریق شهرداری پیگیری شود.

### مردم مریوان مبارز خوب و رادیکالی هستند و هم اینکه روز شکارهای موفق هم دارند.

بشرا راموز دوندی در مرحله نخست رقابت های دو و میدانی لیگ طلایی دختران کشور و در ماده ۳۰۰۰ متر بامانع با زمان ۱۳:۱۸:۷۰ دقیقه به مقام سوم دست یافت.

در ۴۰ سال گذشته ۸۰۰ میلیارد دلار از ایران خارج شده است سایت "شهروند" روز ۲۹ فروردین (۱۸ آوریل) با انتشار گزارشی به موضوع خروج سرمایه از

ایران پرداخته است. در این گزارش که با عنوان "قرار بزرگ سرمایه" منتشر شده، آمار و اطلاعاتی پیرامون خروج سرمایه و پول از ایران عرضه شده است. سرمایه خارج شده در ۴ دهه گذشته معادل هزینه بازسازی دو کشور جنگزده است.

بر طبق این گزارش، ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه در چهار دهه گذشته از ایران خارج شده است. این عددی است که فرهاد احتشامزاده، رئیس هیأت مدیره فدراسیون واردات اعلام کرده است. برای درک بزرگی این عدد کافی است بدانید بشار اسد که پول لازم برای بازسازی سوریه را ۴۰۰ میلیارد دلار دانسته است. به این ترتیب می توان گفت، در ۴۰ سال گذشته معادل هزینه بازسازی دو کشور جنگزده از ایران سرمایه خارج شده است.

### ۱۱ میلیون کارگر در کشور، قرارداد موقت هستند

ناهد تاج الدین عضو هیأت ریسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: در خوشبینانه ترین حالت، ۸۵ درصد کارگران در کشور قرارداد موقت هستند و از ۱۳ میلیون کارگر شاغل در کشور که سه نوع اشتغال دائم، غیر مستمر و پروژه ای دارند؛ بیش از ۱۱ میلیون آن قرارداد موقت هستند، البته ما کارگران پنهانی نیز داریم که در فهرست تأمین اجتماعی نبوده و اینها نیز عموماً قراردادهای موقت زیر یکسال دارند.

وی گفت: روزی روزگاری با تفسیر تبصره یک ماده ۷ قانون کار درباره قراردادهای کاری، قراردادهای موقت رواج یافت و الان سالها است که جامعه کارگری منتظر ارائه آئین نامه ای برای این تبصره از سوی دولت و مجلس است و در همین اوضاع بلا تکلیف شاهد افزایش قراردادهای سفید امضا بوده ایم\*.

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپالوگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

### زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری! حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ بهمن ۱۳۹۶، ۱۳ فوریه ۲۰۱۸

## از صفحه ۷ اخبار و گزارشات هفتگی...

ابراهیم زاده فعال کارگری و حقوق کودک، علی معزی زندانی سیاسی میتوان نام برد.

بدنبال ملاقات گلرخ با خانواده اش و شنیدن، تلاشی که در سطح جهانی برای حمایت او انجام شده و همچنین درخواست خانواده جانبازان، زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی - اجتماعی برای پایان دادن گلرخ به اعتصاب غذای خود، وی پس از ۷۳ روز تصمیم به گرفتن سرم کرد.

البته این تصمیم گلرخ به معنای خوردن غذا نیست و گلرخ همچنان در اعتصاب غذا بسر میبرد.

۲ اردیبهشت ۱۳۹۷  
کمیته مبارزه برای آزادی  
زندانیان سیاسی

### شیما بابایی و داریوش زند

شیما بابایی و داریوش زند به دادرسی ویژه امنیت اوین احضار شدند. به آنها گفته شده است در روز ۴ اردیبهشت برای دفاع آخر به این دادسرا مراجعه کنند. احتمال نگهداری آنان در بازداشت وجود دارد. \*

انعکاس وضعیت گلرخ و اتنا از طریق گروه های مجازی تلگرامی و فیسبوکی نیز اشاره کرد.

همینطور نامه ای از طرف جمعی از خانواده جانبازان، زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی اجتماعی با بیش از ۲۰۰ امضا در حمایت از خواسته گلرخ ایرایی و سهیل عربی با درخواست پایان دادن به اعتصاب غذایشان منتشر شد.

در ادامه این کمپین شمار زیادی از فعالین سیاسی، مدنی و برخی از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها اقدام به نوشتن نامه هایی با خواست پایان دادن گلرخ به اعتصاب غذای خود شدند. از جمله این افراد میتوان از فرهاد سلیمان پور ظهیر زندانی سیاسی سابق، امیر نوذر نوری پور زندانی سیاسی سابق شاعر و نویسنده، شعی شیرزاد زندانی سیاسی سعید بحر عمانی زندانی سیاسی سابق، شهین مهین فر مادر جان باخته راه آزادی امیر ارشد تاجمیری، زینب جلالیان زندانی سیاسی، مجید اسدی زندانی سیاسی، جعفر عظیم زاده فعال کارگری و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، بهنام



**KANAL JADID**  
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید  
ماهواره یاه ست  
فرکانس : 12073  
پولاریزاسیون : عمودی  
سیمبل ریت : 27500  
اف ای سی : 7/8

## چند نکته در مورد جایگاه طبقه کارگر و انسانگرایی در تئوری مارکس



محمد آسنگران

اخیرا حول انسان و انسانگرایی کمونیسم یک بار دیگر دو گرایش در چپ ایران ابراز وجود و خودنمایی کرد. این ابراز وجود اگر چه محدود و عمدتا در میدیایی اجتماعی بود اما خصلت نما بود. خصلت نما بود زیرا جدال آنها زبان گویایی بخش زیادی از چپها و کمونیستهای متعلق به این دو گرایش است.

۱. مارکس در آخرین صفحات دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی خود در مورد حرکت از شرایط «از خود بیگانگی» به «سوی رهایی» می‌گوید: «پایان دادن به رابطه‌ی محصول کار از خود بیگانه شده و مالکیت خصوصی، نتیجه‌اش رهایی جامعه از مالکیت خصوصی و بندگی است. این تحول در شکل سیاسی رهایی کارگران تجلی می‌یابد. اما این رهایی فقط رهایی کارگران نیست؛ زیرا رهایی کارگران شامل آزادی جهانی کل بشر است...»

اولین نکته‌ای که باید یک بار دیگر تاکید کرد این است که کمونیسم جنبشی اجتماعی در درون طبقه کارگر است. مارکس قبل از هر چیز یک انقلابی پرشور علیه جامعه طبقاتی. علیه سرمایه داری و علیه نابرابری و تبعیض بود. از این منظر منتقد جامعه سرمایه داری شد و برای مبارزه با این سیستم استثمارگر دست به تحقیق و کشف قانونمندی آن زد، تا بتواند هدف مند بودن و راه مبارزه طبقاتی را تبیین کند. زیرا معتقد بود برای نفي مناسبات حاکم بر جامعه سرمایه داری و جامعه طبقاتی باید دست به ریشه برد و ریشه خود انسان است. موقعیت انسان بدون اختیار در جامعه سرمایه داری و موقعیت طبقه کارگر در این جامعه به عنوان طبقه‌ای استثمار شده، او را واداشت که قانونمندی کل جامعه طبقاتی تاریخ بشر را بررسی کند و در نتیجه قوانین ذاتی جامعه سرمایه داری و راه نفي و حل تناقض این قوانین را

نشان بدهد. این امر مهم برای رهایی از سرمایه داری و برای رسیدن به آزادی و رهایی بشر لازم بود. با مطالعه جامعه سرمایه داری مارکس ثابت کرد ثروت و سرمایه ناشی از دو عامل است. یکی مواد طبیعی و سرمایه ثابت و دیگری نیروی کار.

او معتقد بود طبقه کارگر هنگامیکه به این درک میرسد که باید بر کار خود و محصول کار خود کنترل پیدا کند، ناچارا برای آزادی خود دست به انقلاب میزند. بنابر این وقتی کارگر خود را آزاد می‌کند و از «از خود بیگانگی» رها میشود، یک تضاد ذاتی حاکم بر مناسبات سرمایه دارانه تولید را حل میکند. در نتیجه حل این تضاد همگان آزاد میشوند. یا دقیقتر بگویم طبقه کارگر با این اقدام خود همگان را آزاد می‌کند. از نظر مارکس طبقه کارگر برای رهایی خود رسالتش حل تضادهای تاریخی جامعه طبقاتی است. وقتی طبقه کارگر این تضادها را حل می‌کند بقیه انسانها نیز رها میشوند. زیرا انجام این رسالت عملا پایان «از خود بیگانگی» (و حرکت به سوی «رهایی» (کامل است. بنابر این وقتی گفته میشود «آزادی طبقه کارگر در گرو آزادی کل جامعه است» این معادله و تئوری مارکس کمی دستکاری شده و نادقیق بیان میشود. در حالیکه مسئله بر سر حل یک تضاد پایه‌ای حاکم بر مناسبات تولیدی سرمایه داری است. در نتیجه حل این تضاد است که کل جامعه از قید و بندهای مناسبات سرمایه دارانه آزاد میشود. بنابر این معنی عملی و عینی این تئوری این است که طبقه کارگر با آزاد کردن خود و کنترل بر محصول کار خود عملا کل سیستم و مناسبات تولیدی جامعه سرمایه داری را نفي میکند و به جای آن جامعه‌ای آزاد و برابر بنا مینهد و از این طریق کل جامعه آزاد میشود. کسی که معنی پروسه عملی و اجرایی این مسئله را دقیق نفهمد فکر میکند طبقه کارگر اول باید کمونیست و مارکسیست بشود تا به درک رهایی همه احاد بشر برسد و بعد مبارزه را برای رهایی بشر آغاز میکند و در نتیجه آن خودش هم

آزاد میشود. در حالیکه مسئله بر عکس این پروسه پیش می‌رود. نظریه‌ای که به شکلی رمانتیک و غیر طبقاتی و غیر مارکسیستی و بر خلاف شناخت از قانونمندی مناسبات حاکم بر تولید سرمایه داری، تصور میکند طبقه کارگر ابتدا بشر را رها میکند و در نتیجه آن خودش آزاد میشود چیزی از مارکسیسم و متد مارکس نفهمیده است. این نظریه به شکل خام و رمانتیک یا تخیلی در حال تکرار شدن است و در چپ رادیکال رشد کرده و تثبیت شده است. این نوع چپ مدعی است که طبقه کارگر نقش ناجی بشر را دارد. گویا بشر منتظر میشود تا این ناجی ظهور کند و آزادش نماید. یا این وظیفه اخلاقی طبقه کارگر است که اول بشر را آزاد کند بعد خودش آزاد بشود. در حالیکه دیالکتیک مبارزه طبقه کارگر علیه مناسبات حاکم در جامعه سرمایه داری و ماتریالیسم تاریخی طور دیگری عمل میکند. آزادی بشر از قید و بندهای جامعه سرمایه داری نتیجه رهایی طبقه کارگر از قید و بندهای مناسبات تولیدی سرمایه داری است. به این معنا آزادی بشر نتیجه و سنتز پراتیک اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است نه پیش شرط آن. این بد فهمی تا جایی رشد کرده و بدیهی فرض میشود که تفاسیر و تعبیر من در آوردی زیادی از مارکس را امروز شاهد هستیم. این گفته معروف را اگر دقت کنیم متوجه گوشه دیگری از تئوری و قانونمندی جامعه از نظر مارکس خواهیم شد: «رادیکال بودن به معنی فهم ریشه‌ای پدیده‌ها و دست بردن به ریشه است، اما برای انسان، ریشه خود انسان است.» یا مارکس از انسان شروع میکند به انسان میرسد. با کمی دقت متوجه ریشه پدیده‌ها میشویم. ریشه از نظر مارکس مارکسیسم و کمونیسم نیست انسان است. مارکسیسم و کمونیسم پدیده‌های قرن ۱۸ و ۱۹ هستند. اما انسان و انسانیت قائم بذات است. معانی انسانیت در دوره‌های تاریخی به نسبت رشد تولید و رشد استانداردهای زندگی بشر و شناخت از حقوق انسان متفاوت بوده است. برای مثال در یک دوره سیر

شدن شکم انسان و تامین فیزیکی او نهایت انسانیت قلمداد میشود. در دوره ما علاوه بر تامین معیشت و امنیت فیزیکی هزاران نیاز دیگر بشر مانند آزادی، برابری عدم تبعیض و آموزش و پرورش و برآورده شدن نیازهای روانی و معنوی و رشد استعدادهای انسان و امکان و توان اینکه بتواند بر تعیین سرنوشت خود و جامعه نقش مساوی و برابر داشته باشد و... از جمله حقوق پایه انسان محسوب میشوند.

این تعاریف و توقع از انسان و حقوق انسان که برآورد شدن امری انسانی نام گرفته است قبل و بعد از مارکسیسم و کمونیسم هم وجود داشته است. بدون کمونیسم و بدون مارکس هم انسان و انسانیت وجود داشته و دارد. اما کمونیسم بروز و یا نتیجه پراتیک انسان و رها شدن انسانیت انسان از خرافات و تبعیضات و جامعه طبقاتی است. میتوان گفت جامعه انسانی نتیجه پراتیک و فکر و عمل انسان است. این‌ها الفبای ماتریالیسم تاریخی و دانش اجتماعی و فلسفه و مارکسیسم است. این موضوع با علم فیزیک و زیست شناسی و تکامل و... هم قابل اثبات است و انطباق دارد.

طبقه کارگر با لغو کار مزدی ابتدا به ساکن میخواهد خودش را رها کند. اما عملا برای رهایی خودش ناچار است تناقضات تولید سرمایه دارانه را نفي کند. از این طریق نتیجه‌ای که حاصل میشود رهایی کل بشر است. اینکه بگوییم کمونیستها میخواهند کل بشر را رها بکنند یا مارکسیسم اینرا میخواهد یک مسئله دیگری و درست است. زیرا کمونیستها با شناخت از جامعه سرمایه داری و شناخت از خود طبقه کارگر و راههای به نتیجه رسیدن این مبارزه کل پروسه این تحولات را آگاهانه و با نقشه از پیشی طی میکنند. اما طبقه کارگر به عنوان طبقه‌ای اجتماعی نه آحاد آن، از منظر موقعیت طبقاتی و اقتصادی و سیاسی طبقه اش وارد مبارزه میشود. اول تصمیم نمیگیرد که ناجی کل بشر بشود. ابتدا کل بشر را رها نمیکند تا نوبت به خودش برسد. پیشفرض طبقه کارگر این نیست که بدون آزادی کل بشر چون خودش آزاد نمیشود پس باید اول کل بشر را آزاد

کند بعد برای آزادی خودش مبارزه کند. برعکس این فرمولهای سطحی و غیر مارکسیستی، طبقه کارگر اول میخواهد خودش را از این قید و بند تبعیض و نابرابری و از خود بیگانگی رها کند. بنابر این طبقه کارگر قبل از هر متر و معیاری که من و شما و دیگران حتی مارکس برایش تعریف کنیم از منظر موقعیت اقتصادی و سیاسی خودش وارد جدال و کشمکش با طبقه حاکم دوران خودش یعنی سرمایه و مدافعینش میشود.

اگر کمونیستها میگویند طبقه کارگر انقلابی ترین طبقه است به این معنی است که این طبقه به حکم جایگاهش در تولید و به حکم نقشی که میتواند در نفي مناسبات تولید سرمایه داری ایفا کند، هیچ قشر و طبقه دیگری چنین رسالتی را نمیتواند بعهده داشته باشد. اما به هر نسبتی که پیشروان این طبقه، آگاه و مسلط بر مارکسیسم عمل کنند به همان نسبت این حرکت به امری آگاهانه و از پیش معلوم تبدیل میشود. متأسفانه این مسائل ابتدایی که در مانیفست توضیح داده شده است ما باید مرتب آنرا تکرار و توضیح بدهیم که مسئله بر سر یک قانونمندی طبقاتی در جامعه سرمایه داری و نفي آن است. بحث فراتر از اخلاقیات و تخیلات چپهای تخیلی و سنتی است که مارکسیسم را مثل مذهب یاد گرفته‌اند.

۲- سوسیالیسم جامعه‌ای انسانی است چون حقوق و پایداری شده انسانها را بر برابری و برابری و رفاه به آنها برمیگرداند. اختیار پایداری شده انسانها را به آنها برمیگرداند. سوسیالیسم به معنی رها شدن انسانیت انسانها از قید و بند جامعه طبقاتی و رشد آن است. سوسیالیسم یک سیستم اداره جامعه است. سوسیالیسم یک نظام سیاسی و اقتصادی است. انسانیت مضمونی قلمی تر و از سوسیالیسم و کمونیسم دارد. قبل از سوسیالیسم و کمونیسم هم انسانیت وجود داشته است. اما جامعه طبقاتی انسان را بی حقوق کرد و او را از انسانیت محروم نمود. جامعه طبقاتی اختیار و حقوق انسان را به منفعت طبقه حاکم و ادامه حاکمیت خود محدود میکند. کمونیسم و سوسیالیسم قرار است این اختیار غصب شده و

## از صفحه ۷ چند نکته در مورد جایگاه ...

محسور شده را به انسان برگرداند. کمونیسم و سوسیالیسم آلترناتیو بخش آگاه و پیشرو جنبش طبقه کارگر و حاصل کشمکش طبقاتی، طبقات متخاصم در جامعه سرمایه داری است. کمونیسم هم به عنوان راه حل و دکتترین رهایی بشر و هم به عنوان علم رهایی طبقه کارگر و... حاصل پراتیک انسان و زنده شدن انسانیت انسانهای معینی است. سوسیالیسم و کمونیسم ضروری شد به این دلیل که طبقه کارگر برای رهایی خود باید مناسبات حاکم بر جامعه سرمایه داری را نفی میکرد و به جای آن مناسبات دیگری را برپا میکرد. برای نشان دادن راه پیروزی آلترناتیو طبقه کارگر، این طبقه و نمایندگان فکری و سیاسی به تئوری و دکتترین خاص خودش نیاز داشت. طبیعی است که بعد از رهایی طبقه کارگر و برگرداندن اختیار به انسان و استقرار جامعه کمونیستی، جامعه طبقاتی به تاریخ میپیوندد. از این مقطع نه کارگری وجود دارد و نه صاحب کاری، نه مزدی لازم است و نه سرمایه ای برای تولید سود و... در این مقطع وقتی طبقات از بین رفته باشد سیستم اداره جامعه نیازی به دولت ندارد. بنابر این تمام تئوری مبارزه طبقاتی و تمام ساختمان و حکومت و دولت سوسیالیستی همراه با طبقات و دولت ذوال پیدا کرده و به تاریخ میپیوندد. هنگامی که سیاست و تئوری و استراتژی دولت سوسیالیستی کارش تمام میشود جامعه انسانی یا کمونیستی مستقر شده است. از این مقطع تازه تاریخ انسان و انسانیت آغاز میگردد. لازم به تاکید است که سوسیالیسم و کمونیسم مخلوق ما هستند و ما خالق آنها. بنابر این انسانیت ما خالق کمونیسم و سوسیالیسم است و سوسیالیسم و کمونیسم قرار است این انسانیت محسور شده و غصب شده و پایمال شده در ابعاد اجتماعی را به انسان

برگرداند. به این اعتبار کمونیستها میخوانند انسانیت اسیر شده و مسخ شده را احیا کنند و اختیار را به انسان برگردانند. بنابر این از نظر ما کمونیستهای کارگری "سوسیالیسم یعنی بازگرداند اختیار به انسان". اگر "جامعه بورژوازی کنونی که از فروپاشی جامعه فئودالی برآمده، تضادهای طبقاتی را از میان نبرده بلکه طبقات جدید، شرایط جدید ستگیری و اشکال جدید مبارزه را جایگزین آن ها کرده است." به همین روال حکومت کارگری یا جمهوری سوسیالیستی نتیجه فروپاشی جامعه بورژوازی است. اما برعکس روال ماقبل خود، تضادهای طبقاتی را از میان میبرد و در یک پروسه به جامعه طبقاتی پایان میدهد و شرایط جدید یعنی رهایی کل آحاد بشر را جایگزین آن میکند. دولت سوسیالیستی با این کار عملاً زمینه ذوال خود را هم مهیا میکند. زیرا با استقرار جامعه انسانی، یا جامعه کمونیستی طبقات از بین میروند و بشر برای اداره خود و جامعه خود احتیاجی به دولت ندارد. با توجه به روند فوق که به اختصار بیان کردم انگلس میگوید "بین جامعه سرمایه داری و جامعه کمونیستی دوران گذار انقلابی اولی به دومی قرار دارد، منطبق با این دوران، یک دوران گذار سیاسی نیز وجود دارد که دولت آن، چیزی جز دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا نمیتواند باشد. دولت به عنوان نهادی گذرا که در جریان مبارزه برای سرکوب و کنترل قهری دشمن بکار میرود." نامه انگلس در مورد برنامه گوتا به بیل ۱۸۷۵ مارس. در این دوران گذار، انگلس با صراحت بیان کرده است که به هر کس به اندازه کارش. اما با تاکید و روشنی بسیار بیشتری در فاز نهایی یا جامعه کمونیستی مارکس و انگلس هر دو تاکید دارند که "از هر کس به اندازه استعدادش، به هر کس

به اندازه نیازش". شکی نیست و فکر میکنم این دومی مورد توافق همه کمونیستها باشد. اما در مورد فاز ابتدایی یا همان حکومت سوسیالیستی وقتی انگلس میگوید "به هر کس به اندازه کارش" امروز نمیتوان با همان صراحت دو قرن پیش از آن دفاع کرد. من معتقد هستم این شعار از چند زاویه دقت لازم را ندارد. اولاً بسیاری از شهروندان به دلیل نقص عضو، مرضی، کهولت سن، یا کمی سن و دوران کودکی و... نمیتوانند کار کنند. دوماً حتی در مورد بقیه شهروندان هم با اتکا به تولید انبوه و توان و امکان تکنولوژی تولید نیازهای بشر در این عصر، فکر میکنم اکنون این شعار با همان فرمولبندی دقیق نیست و نمیتواند شعار کمونیستها باشد. بنابر این بدون بررسی آن و بدون نشان دادن کمبودهای آن شعار، نمیتوان از کنار آن گذشت و آنرا بررسی نکرد. سوال این است آیا بشر نمیتواند از همان فاز ابتدایی جامعه سوسیالیستی همین شعار "از هر کس به اندازه استعدادش، به هر کس به اندازه نیازش" را اجرا کند؟ تصور من این است که میتوان و باید تلاش کنیم چنین باشد. اما واقف هستم که نمیتوان از شروع پروسه حکومت کارگری این انتظار را داشت که تمام و کمال آنرا به اجرا گذاشت. ولی میتوان این شعار و یا این استراتژی سیاسی و اقتصادی را به عنوان یک هدف اعلام کرد و به هر درجه که امکان عملی کردنش مهیا میشود آنرا عملی کرد. نباید منتظر فاز نهایی شد. برای مثال میتوان گفت و تاکید کرد که همه شهروندان جامعه علیرغم توان کار کردن یا کار نکردن، باید از یک زندگی مرفه و از رفاهیات با استانداردهای پیشرو اجتماعی که نیاز هر انسانی است برخوردار باشند. بنابر این هر کس به صرف متولد شدن و یا زندگی کردن در این جامعه باید از نظر معیشت بتواند آزاد، برابر، تامين و در رفاه زندگی کند. \*\*\*

## به همت فعالین مدنی و بخش خانواده مقتول، جمشید فرهادی در سنج از اعدام نجات پیدا کرد.

طریق گزارش رسیده به ما حدود چهار سال قبل در جریان یک نزاع معمولی جوانی به اسم صالح رحیمی جانش را از دست داد. روز دوشنبه گذشته ۱۶ آوریل ۲۰۱۸ قرار بود جمشید فرهادی به جرم ارتکاب به قتل صالح رحیمی به دار آویخته شود. اما خانواده مقتول در نهایت انسان دوستی طناب دار را از گردن قاتل باز کرده و مانع اعدام جوان دیگری شدند. مادر صالح رحیمی علیرغم اندوه بزرگی که بر قلبش سنگینی میکرد، حاضر نشد شاهد جانباختن جوان دیگری باشد. او اجازه نداد حاکمان آدمکش جمهوری اسلامی در کمال آرامش دست به انسان کشی بزنند و تخم تفرقه و کین را در میان شهروندان بکارند. بعد از نجات پیدا کردن جمشید فرهادی خانواده او همراه با تعدادی از مردم آزاده و انسان دوست سنج خانواده مقتول را

همراهی کرده و بر مزار صالح رحیمی یاد او را گرامی داشتند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت به خانواده صالح رحیمی به آنها درود میفرستد. ما همچنین به همه انسانهای آزاده ای که تلاش کردند مانع اعدام دیگری در سنج بشوند درود میفرستیم. مادر صالح رحیمی با این اقدام خود پیام آور انساندوستی و مهربانی شد. ما و همه مردم آزادیخواه یک بار دیگر با مشاهده این فضای آزادی و انسان دوستی و قدرتمند شدن جنبش مخالفت با اعدام به مردم آزادیخواه سنج درود میفرستیم. زنده و پرتوان باد جنبش علیه اعدام زنده باد مردم آزادیخواه سنج ۳۱ فروردین ۱۳۹۷ ۲۰ آوریل ۲۰۱۸



تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر  
Tel: 00358 405758250  
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون خطر سوسیالیسم منجلا بیس نخواهد بود.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!